

«برگشت از اسلام نیکبختی است که نسیب هر کشور اسلامی نمیشود»

رژیم اسلامی در ایران در راه به تصویب رساندن قانونی است تا بر اساس آن هر ایرانی را که از دین اسلام برگردد، به «جرم» ارتداد اعدام کند. البته من نمیدانم چند درصد از ایرانیان با این طرح موافق هستند، ولی طبق آخرین آمار «انجمن پژوهشگران ایران» بیش از ۶۴٪ ایرانیان هنوز خود را مسلمان میدانند، بنابراین خرد و برهان حکم میکند که این کمابیش چهل و اندی ملیون ایرانی، بنا بر اعتقادات مذهبی (بخوانید اسلامی) خود با این طرح موافق هستند. بنابراین اگر در آینده نزدیک فرزند، فامیل، دوست یا هر کس از آشنایان این مسلمانان به جرم ارتداد به دار آویخته شدند، بدانند که مسئولیت مستقیم این جنایت در درجه اول به گردن خود آنها، و بعد به گردن دست اندرکاران حکومت اسلامی درون رژیم اسلامی است که با پشتوانه ایمان همین مؤمنین به حکومت اسلامی خود ادامه میدهند.

روی دیگر سکه و تصویب این قانون تنها میتواند ارتباط مستقیم با حقیقت دیگری داشته باشد؛ که بسیاری ایرانیان از اسلام برگشته‌اند و یا در حال زدودن این «فرهنگ» ننگین از خود هستند که این مهم گردانندگان رژیم اسلامی در ایران را بسیار نگران کرده است، و وحشتی در آنان افکنده است که مانند مرغ سر پریده به این ور و آن ور میپزند. آنها نیک دریافته‌اند که در حال فرو رفتن در باتلاقی هستند که خود برای خود به وجود آورده‌اند، ولی شاید (!؟) متوجه نشده‌اند که هر چه بیشتر دست و پا بزنند بیشتر و زودتر تا سر در آن فرو خواهند رفت، و این همان چیزی است که خواست ما است؛ ما میباید به روی مثبت هر امر نگاه کنیم. البته تا پیروزی نهایی و ریشه کن کردن این آیین اهریمنی در ایران راهی در پیش است که تنها با خرد و راستی روشنگرایی میتوان آن را پیمود، و برای پیمودن هر راهی چه کوتاه و آسان و چه دراز و سخت مهترین امر اولین قدم است؛ که خوشبختانه این قدم برداشته شده است. برای اینکه شرایط دگرگون بشود اول باید روش اندیشه را دگرگون کرد؛ برای همین هم است که گردانندگان جهان اسلام از اندیشه و روشنفکری هراس دارند؛ و باز هم به همین دلیل است که جهان اسلام «روشنفکران» و «اندیشمندان» ویژه خود را دارد که هیچ شباهتی با روشنفکران و اندیشمندان جهان متمدن ندارند. حال در میابیم چرا هر چند گاهی امت مسلمان را از چاله‌ای بیرون می‌آورند و به چاهی می‌اندازند.

رژیم اسلامی نیک میدانند که شیشه عمرش نه در بالای آسمانها و نه در دست الله است، بلکه در دست یک یک انسانهای زمینی است که هر آن با یک برگشت ۱۸۰ درجه ای میتوانند آن را بشکنند، و نه تنها عمر این رژیم را به پایان برسانند، بلکه زیر بنای آن را هم که همان اسلام است از جا برکنند و به جایی بفرستند که سالیان دراز میباید میفرستادند؛ زباله‌دان تاریخ. با یک نگاه نه بسیار ژرفی هم در میابیم که پیچ و مهره های این رژیم، که نسبت «روحانیت» را هم به خود داده‌اند، از بزرگتری و بالاترین مرجع تا کوچکتری و پائین ترین آنها هیچ چیز نیستند جز تفاله های آیینی که هزار و چهارصد سال پیش از قلب بیابانهای عربستان بیرون

آمد، یعنی از «هیچستان» بر آمدند و به «هیچستان» هم میروند، تنها باید هوشیار باشیم که ما و میهمانان را هم با خود نبرند!

iran.roshan@yahoo.es

